

کشف سرزمین قوم عاد از منظر قرآن و باستان‌شناسی*

کریم دولتی** حامد جمالی*** مرتضی قاسمی****

چکیده

قوم عاد در سرزمین احقاف زندگی می‌کردند و مشهور به ساکنان ارم بودند. داستان زندگی این قوم تنها در قرآن کریم آمده است و در کتب آسمانی گذشته از آن خبری نیست؛ از این‌رو، تا سال‌ها گمان می‌کردند که سرگذشت قوم عاد افسانه‌ای بیش نیست و برخی معتقد بودند پیامبر ﷺ آن را از افسانه بطلمیوسی گرفته است. امروزه محققان به اطلاعات مفیدی در این باره دست یافته‌اند که اعجاز قرآن را به اثبات می‌رساند و نشان می‌دهد که آنچه در قرآن آمده، مطابق حقیقت و حکایت از واقعیت دارد. پس از سال‌ها تحقیق و بررسی، سرانجام آثار به جا مانده از سرزمین قوم عاد، توسط گروه تحقیقاتی نیکلاس کلاب، دانشمند اروپایی، با استفاده از آیات قرآن در عمان کشف شد. یافته‌های باستان‌شناسان و اکتشافات اخیر با آنچه در قرآن کریم آمده است، مطابقت کامل دارد. اکتشافاتی همچون کشف برج‌های بلند، باقی ماندن خانه‌های قوم عاد، کشف محل سکونت قوم عاد، و مدفون شدن سرزمین عاد در زیر لایه‌های شنی و رملی. از مواردی است که در نوشتار حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. در نوشتار حاضر، همچنین به ادعای کشف اسکلت‌هایی عظیم الجثه مربوط به قوم عاد پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی: اعجاز قرآن، قوم عاد، احقاف، ارم، برترام توماس، نیکلاس کلاب.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۳/۲۴

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (نویسنده مسئول) kdowlati@chmail.ir

*** کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر HamedJamali.a@gmail.com

**** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی تهران (نویسنده مسئول)
mor.ghasemihamed@gmail.com

طرح مسئله

در قرآن کریم، در سوره‌های مختلف به داستان قوم عاد یا اصحاب ارم پرداخته شده است. کلمه عاد ۲۴ بار در ۱۸ سوره و در ۲۴ آیه به کار رفته است. این قوم در قرآن کریم مشمول غضب الهی قرار گرفته‌اند؛ زیرا پس از فزونی نعمت و الطاف الهی، راه نقیمت، ناسپاسی و طغیان را پیش گرفتند و به خود مغرور گشتند و خدا را از یاد بردند. در هیچ یک از منابع پیش از اسلام از جمله یهودیت و مسیحیت، ذکری از این قوم یافت نمی‌شود. تنها منبعی که به بیان داستان قوم عاد می‌پردازد، قرآن کریم است و این از معجزات این کتاب آسمانی به شمار می‌رود؛ زیرا از جریانی در واقعیت خبر می‌دهد که تا سالیان سال هیچ کس نسبت به آن اطلاعی نداشت. اما عده‌ای معاند به ایجاد شبهه در اذهان عمومی روی آورده‌اند و در صددند تا این موضوع را ساختگی جلوه دهند. برخی گفته‌اند پیامبر ﷺ این داستان را از افسانه بطلمیوسی گرفته است. آیا داستان قوم عاد حقیقت دارد؟ یا یک داستانی ساختگی است که منشأ وحی الهی ندارد؟ این نوشتار با توجه به کشف اخیر یک دانشمند اروپایی به نام نیکلاس کلاب، [۱] در صدد پاسخگویی به این سؤال برآمده است تا اعجاز قرآن را در این باره با توجه به شواهد باستان‌شناسی به اثبات برساند.

پیشینه بحث

تا به حال کتاب یا مقاله‌ای که اعجاز قرآن را درباره قوم عاد مورد بررسی قرار داده باشد، انتشار نیافته است، بلکه تنها به تفسیر آیات مربوط به این قوم بسنده شده است. البته در برخی کتب مانند هارون یحیی «اعجاز قرآن» و «الامم البائدة» از هارون یحیی، «اعجاز علمی قرآن کریم» از زغلول نجار و «The road to Ubar» از نیکلاس کلاب یا مقالات «قوم عاد سازندگان اهرام مصر» از عابدینی و «شهر اساطیری ارم، اعجاز قرآن» از شکوری اشاره‌هایی شده است؛ از این‌رو، ضرورت توجه تفصیلی به این موضوع آشکار می‌گردد، مخصوصاً پس از اطلاع از اکتشافات اخیر نیکلاس کلاب، محقق و باستان‌شناس اروپایی، در این نوشتار به بررسی میزان مطابقت آثار مکشوف باستان‌شناسی با آیات و روایات پرداخته می‌شود.

۱. معرفی قوم عاد و پیامبرشان

در قرآن کریم و تفاسیر آمده است: پیامبر این قوم حضرت هود (علیه السلام) (هود/۶۰) از نسل سام بن نوح می‌باشد (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۲۰/۱۸). آنها آن قدر از نعمات خدادادی مثل قدرت و استعداد در ساخت و ساز بناهای مستحکم برخوردار بودند که قرآن در این باره می‌فرماید: «همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود!» (فجر/۸).

آنان با بهره‌گیری از مواهب سرشار طبیعی و زیستی در کنار اقیانوس هند و باران‌های مفید و پیاپی و فرآورده‌های زمینی توانسته بودند از نظر تغذیه به چنان رفاه و آسایشی دست یابند که از یک سو، سرمایه‌های مادی در اختیار بگیرند که قسمت مهمی از آن (مخصوصاً در آن عصر) چهارپایان و دام‌ها بودند و از سوی دیگر، نیروی انسانی کافی به دست آورند که بتوانند آن را حفظ و نگهداری کنند و پرورش دهند (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۹۶/۱۵). خداوند در آیاتی از قرآن کریم (شعراء/۱۳۲-۱۳۴) به ذکر نعماتی که به ایشان عطا شده، می‌پردازد و طی آن به رشد کشاورزی و دامپروری و همچنین پسران لایق و برومند در میان ایشان اشاره دارد: ﴿وَ اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَ بَنِينَ وَ جَنَاطٍ وَ عُيُونٍ﴾ (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۹۷/۱۵).

در سوره نجم این قوم با نام ﴿عَاداً الْأُولَى﴾ (نجم/۵۰) خوانده شده که برخی از این تعبیر استنباط کرده‌اند که دو عاد وجود داشته است: «عاد اولی» آن است که به واسطه تندباد و «عاد ثانی» آن است که به وسیله صیحه‌ای مهیب از بین رفته‌اند. قرطبی اقوال مختلفی را در این باره ذکر می‌کند (ر.ک: قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۲۰/۱۸). برخی نیز گفته‌اند: «عاد اولی» عاد بن عوص بن سام بن نوح و «عاد ثانی» از فرزندان او می‌باشد (ر.ک: همان).

خداوند برای هدایت قوم عاد، هود (علیه السلام) را به سویشان فرستاد، ولی آنان وی را سفیه پنداشتند (اعراف/۶۶؛ هود/۵۴) و از پرستش خدای یگانه سر باز زدند و خود را مستلزم پیروی از دین پدرانشان دانستند و از کبر و غرور خود دست برنداشتند و در مقابل خداوند و پیامبرش سرکشی کردند (ر.ک: عراقی نژاد، ۱۳۷۸: ۲۶۹-۲۸۰؛ رسولی محلاتی، ۱۳۸۲: ۸۹-۹۸).

موسوی تنکابنی، ۱۳۷۸: ۵۱؛ بهیودی، ۱۳۷۶: ۳۰۴؛ نیشابوری، ۱۳۸۲: ۸۳-۸۶؛ مکارم، ۱۳۸۶: ۶۸-۶۱ نیز ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹؛ محلی و سیوطی، ۱۴۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷؛ طبرسی، ۱۴۰۶؛ مکارم، ۱۳۷۴؛ ذیل آیاتِ احقاف/۲۱؛ شعراء/۱۳۳ به بعد و حاقه/۶-۸).
جریان قوم عاد در سوره‌های اعراف، توبه، هود، ابراهیم، حج، مؤمنون، شعراء، ص، غافر، فصلت، احقاف، ق، ذاریات، قمر، حاقه، فجر، فرقان، عنکبوت و نجم (ر.ک: معادیخواه، فروغ بی‌پایان، ۱۳۷۸: ۵۳۴) ذکر شده است.

۲. محل سکونت قوم عاد

شبه جزیره عربستان دارای تاریخی ریشه‌دار است که از آن داستان‌ها، سفرنامه‌ها و خاطرات زیادی گزارش شده است (ر.ک: برترام توماس، مخاطرات الاستکشاف فی الجزیره العربیة، ۱۴۰۱: ۶۹ و ۱۶۱؛ Thomas, 1932: 161).

سرزمین قوم عاد بسیار حاصل‌خیز، سرسبز و پر بار بود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و از (مخالفت) کسی خودنگهداری کنید که شما را با آنچه می‌دانید امداد کرد، شما را با دام‌ها و پسران و بوستان‌ها و چشمه‌ساران امداد رساند» (شعراء/۱۳۳ و ۱۳۴). هرچند امروزه محل سکونت عادیان یک بیابان و شنزار بی‌آب و علف است، ولی از جنبه علمی، همان‌طور که صاحب اثر «الاعجاز العلمی فی القرآن و السنة» به آن پرداخته، ثابت شده که منطقه جنوب جزیره العرب مشهور به ربع الخالی در گذشته و پیش از اسلام سرسبز بوده است (ر.ک: منیر فارسی، الاعجاز العلمی فی القرآن و السنة، ۱۴۲۷: ۳۳-۳۵). به منظور پی بردن به جغرافیا و تاریخ سرزمین قوم عاد، می‌بایست نام‌های آن یعنی «ارم» و «احقاف» را در منابع جغرافیایی و دائرة المعارفی مورد بررسی قرار داد.

«ارم» (Iram) شهر گمشده‌ای در شبه جزیره عربستان است. در متون باستانی از شهر (اوبار) با همین نام یا با نام یاد شده و در داستان‌ها آمده که این شهر در قسمت جنوبی شبه جزیره عربستان، مرکز دادوستد بوده است. امروزه منطقه‌ای در نزدیکی شهر اوبار در کشور عمان را مکان اصلی این شهر می‌دانند. در افسانه‌ها آمده که این شهر حدود ۳۰۰۰ ق.م بنیان گذاشته شده و تا قرن نخست میلادی پابرجا بوده است. بر پایه این داستان، شاه شداد به

هشدارهای هود پیامبر توجه نمی‌کرد؛ از این‌رو، خداوند شهر را نابود و همه آن را در ماسه و شن مدفون کرد، به طوری که دیگر اثری از آن باقی نماند. نام شهر ارم پس از ترجمه داستان‌های هزار و یک شب، به ادبیات غربی راه یافت.

(Encyclopedia of Islam, 1960: V.I, 257;
http://en.wikipedia.org/wiki/Iram_of_the_Pillars;
<http://en.wikipedia.org/wiki/%E2%80%98Ad>).

در برخی از کتب تاریخی نقل شده که ارم شهری افسانه‌ای بوده که با سنگ‌های قیمتی و جواهرات توسط شداد بن عاد بنا شده است (حموی، معجم البلدان، ۱۹۹۵: ۱/۱۵۵). همچنین در این باره در لغت‌نامه دهخدا آمده است: «نام شهری است که شداد بن عاد بنا کرد. ارم شداد بین صنعا و حضرموت است». دهخدا در ادامه اشعاری را درباره ارم می‌آورد که حکایت از خرمی و آبادی آن دارد (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۷: ۲/۱۸۹۴).

ابن اسحاق می‌گوید: ارم جد عادیان است که عاد بن عوض بن ارم بن سام بن نوح می‌باشد (ابن هشام، السیرة النبویة، ۱۴۱۵: ۱/۴۰)، اما جمهور مفسران می‌گویند: ارم شهری در سرزمین یمن است (حمیری، الروض المعطار فی حبر الاقطار، ۱۹۸۴: ۲۲).

صاحب کتاب «آثار البلاد و اخبار العباد» ارم را این‌گونه توصیف می‌کند: از جمله بلادی که در آن اقلیم قرار دارد، «إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ» است که در شأن آن، آیه کریمه ﴿لَمْ يَخْلَقْ مِنْهَا فِي الْبِلَادِ﴾ (فجر/۸) نازل شده است. آن شهری میان صنعا و حضرموت می‌باشد که توسط شداد بن عاد بنا گردیده است (ر.ک: قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ۱۳۷۱: ۱/۱۲-۱۵).

طالقانی در پرتویی از قرآن آورده است: ارم نام شخص یا قبیله‌ای بوده که جد بزرگ آنها «ارم بن سام» یا «ارم بن معد بن سام» بوده است. البته با توجه به تأیید کلمه ارم و توصیف و اضافه آن به ذات العماد، اسم مکان بودن آن تأیید و اینکه نام شخص یا قبیله‌ای باشد، مردود می‌گردد. علاوه بر آن، در اکثر کتب تفسیری و تاریخی نیز به مکان بودن ارم اذعان شده است (ر.ک: طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۳۴۸: ۴/۵۰)؛ بنابراین، مشهور بین مفسران و مورخان اسم مکان بودن لفظ ارم است. شاید ارم همان آرام باشد که در تورات یکی از فرزندان یا نوادگان سام بن نوح شمرده شده است (همان، ۵۵/۴)؛ هرچند که در آن لفظ عاد و

هود دیده نمی‌شود (همان، ۵۱/۴).

اگر ارم را سرزمین منسوب به آرام بگیریم، می‌توان گفت: تیره‌های قبیله آرامی، چون نخست در میان کوهستان‌ها و وادی‌ها پرورش یافتند و زورمند و سلحشور و آشنای به فن حجاری بودند، به هر جا که دست یافتند، برای سکونت و دفاع از خود، بناها و قلعه‌های محکم ساختند و آبادی‌ها پدید آوردند. سپس این‌گونه ساختمان‌ها به نام آنها شناخته شد. چنانچه آیات ﴿أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ﴾ (شعراء/۱۲۸ و ۱۲۹) و ﴿وَ اذْكُرُوا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ شَهْرِيهَا قُصُورًا...﴾ (اعراف/۷۴) که توسعه و تکثیر ساختمان‌های آنها را می‌رساند. گویا از همین جهت است که مفسران و مورخان اسلامی، لفظ ارم را راجع به شهرهایی احتمال داده‌اند که در سرزمین‌های دور و مختلف قرار دارند، مانند اسکندریه، دمشق، و بین عمان و حضرموت (ر.ک: بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ۱۴۱۵: ۴۲۴/۴؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۵۳/۳۱).

در کتاب «قرآن کتابی شگفت‌انگیز» نوشته گری میلر [۲] درباره شهر «ارم» آمده است: به نظر تاریخ‌نگاران چنین شهری وجود نداشته است. اما در دسامبر ۱۹۷۸م، نشریه «National Geographic» (جغرافیای ملی) اطلاعات جالبی را ارائه کرد که طی آن شهری به قدمت ۴۳ قرن پیش کشف گردید. اما آن، تنها بخش متحیر کننده و شگفت‌انگیز نبود. پژوهشگران در کتابخانه‌ای متوجه ثبت و ضبط شهری به نام «البا» شدند که در میان شهرهای آن منطقه شهری تجاری بوده است. در این باره که این شهر است یا خیر، شک کردند زیرا شهری به نام «ارم» نیز در فهرست شهرهای آن کتاب بود. به نظر می‌رسد مردم شهرهای البا و ارم در تجارت با هم بوده‌اند (ر.ک: میلر، قرآن کتابی شگفت‌انگیز، ۱۳۸۴: ۲۱). اما سرزمین احقاف یعنی محل سکونت عادیان، در معاجم به معنای رمل و سرزمینی دارای رملهایی به صورت موج‌دار معنا شده است. ابن منظور این‌گونه معنا کرده است: «الحقف من الرمل: المعوج و جمعه احقاف». او در ادامه به نقل از جوهری می‌گوید: «الاحقاف دیار عاد» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸: ۲/۲۵۵). فرهنگ لغات دیگر نیز همین

مضمون را برای احقاف در نظر گرفته‌اند (ر.ک: فیروزآبادی، القاموس المحيط، ۱۴۱۹: ۸۰۱). از ابن عباس نقل شده که احقاف وادی بین عمان و سرزمین مهرة واقع در یمن است، اما ابن اسحاق آن را سرزمینی بین عمان و حضرموت می‌داند. قتاده برخلاف آن دو، احقاف را سرزمینی مشرف بر یمن برشمرده است (همان؛ حموی، معجم البلدان، ۱۹۹۵: ۱۱۵/۱). اغلب مورخان آن را ریگستانی میان یمن و عمان تا حضرموت و شحر دانسته‌اند، اما برخی گمان برده‌اند که در وسط یمن است (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ۱۴۲۱: ۱۹/۱). در بعضی اخبار آمده که عاد به شحر رفت و در آنجا ماندگار شد و در دره‌ای به نام مفیت وفات کرد (طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۳۵۷: ۲۰۸/۱؛ نیز، ر.ک: بی‌آزار شیرازی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۷؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۴۲۷: ۲۸۴-۲۸۶؛ حمیری، الروض المعطار فی حمر الاقطار، ۱۹۸۴: ۱۴؛ Encyclopedia of Islam, 1960: V.I, 257).

یکی از محققان در جمع‌بندی دیدگاه‌های اصلی در این باره نوشته است: «احقاف از نظر عموم مفسران اسلامی، در منطقه‌ای از یمن در جنوب عربستان قرار داشته است. البته برخی نیز احقاف را نام کوهی در شام یا منطقه‌ای اطراف حسمی در شمال جزیره العرب دانسته‌اند که آبادانی و سرسبزی این منطقه با برخی گزارش‌های قرآن از محل سکونت عاد شباهت دارد. وجود کوهی به نام «ارم» فرضیه وقوع سرزمین احقاف در این منطقه را نزد برخی خاورشناسان تقویت کرده است. در تورات نیز از منطقه‌ای به نام «حوپله» یاد شده که آن واژه، از ریشه عبری «حول» به معنای شن اشتقاق یافته، به سرزمین شن‌زار اطلاق می‌شود. محدوده دقیق این منطقه، به روشنی در تورات تعیین نشده و گویا افزون بر یمن و عمان، در عربستان جنوبی تا مرکز و شمال جزیره العرب امتداد داشته است (معموری، ۱۳۸۲: ۲/مدخل احقاف).

با توجه به اقوال ذکر شده، باید گفت: مسلم است که سرزمین احقاف باید جایی در جنوب ۱۴۳ جزیره العرب باشد که به احتمال قوی در نزدیکی عمان و یمن واقع شده است و از جنوب به ولایت یمن و از شمال به عمان محدود می‌شود (ر.ک: رضایی، اماکن جغرافیایی در قرآن، ۱۳۷۹: ۲۵-۲۸؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۵۲/۲۱؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۱۰/۱۸؛ خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۳۷۷: ۱۵۵-۱۸۹؛

پاکتچی، «ارم» دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵: ۶۷۱/۷ و ۶۷۲؛ خامه‌گر، «ارم» دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷: ۳۲۲/۲-۳۲۴؛ Clapp, 1999: 277. Encyclopedia of Islam, 1960: V.I, 257. Encyclopedia of the Quran, 2002: V.II, 559.

صحرای احقاف به جهت گرمی و خشکی قرن‌ها خالی از سکنه بوده است. جغرافی‌دان‌ها به آن ربع الخالی می‌گویند؛ از این‌رو، جهان همواره از این صحرا بی‌اطلاع بوده و طی سال‌های طولانی، رمل‌های صحرا منطقه احقاف را پوشانده است. گذشته از موقعیت جغرافیایی، مقاومت عرب‌های این سرزمین نسبت به بیگانگان، به دانشگاه‌ها و هیئت‌های علمی، اجازه حفاری و کاوش را نداده و آثار آن همچنان مجهول مانده است. همه همت پویندگان قرن بیستم میلادی در عربستان، اکتشاف و عبور از ربع الخالی بود. این کار به دست سه نفر و جدا از یکدیگر صورت گرفت که عبارت اند از: برترام توماس (در سال ۱۹۳۰م)، فیلیبی (در سال ۱۹۳۲م) و و.ب. تسیجر (در سال ۱۹۴۸م) (نک: بی‌آزار، باستان‌شناسی و جغرافیای قصص قرآن، ۱۳۸۸: ۳۰۹ و ۳۱۰).

هر چند تلاش‌های این سه محقق نتوانست نتیجه مطلوبی به بار آورد، اطلاعات بسیار مفیدی به محققان بعدی داد. نیکلاس کلاب از جمله کسانی است که از این اطلاعات سود برد. البته او با تاریخ عرب آشنایی کامل داشت. او توانست شهر از بین رفته قوم عاد، واقع در ربع الخالی، جنوب شبه جزیره عربستان را کشف کند. وی در تحقیقاتش با کتاب «عربیا فالکس» نوشته مورخ انگلیسی برترام توماس در سال ۱۹۳۲م مواجه شد (ر.ک: Clapp, 1999: 35) نام این کتاب عنوانی برای مردم جنوب شبه جزیره عربستان بوده است که رومی‌ها این نام را برای آن برگزیده‌اند و منظور از آن، عرب‌های پولدار است. علت این نام‌گذاری این بوده است که ساکنان این منطقه، از درختی، ماده‌ای خوشبو و معطر استخراج می‌کردند و آن را می‌فروختند این ماده خوشبو که در محافل دینی مورد استفاده قرار می‌گرفت، در آن موقع همچون طلا ارزشمند بود (ر.ک: یحیی، الامم البائدة، بی‌تا: ۷۲ و ۷۳).

نویسنده این کتاب می‌گوید که در یکی از سفرهایش به این منطقه، آثاری از شهری را کشف می‌کند که به گفته عرب‌ها گذرگاهی بوده به سوی شهری که احقاف نامیده می‌شده است. نیکلاس کلاب از این موضوع شگفت‌زده می‌شود و در صدد برمی‌آید تا کار برترام

توماس را به پایان برساند. او از مؤسسه ناسا درخواست کرد تا تصاویر هوایی [تصویر شماره ۱] از این منطقه تهیه شود. او با بررسی تصاویر، منطقه وسیعی را شناسایی کرد که احتمال می‌داد سرزمین قوم عاد باشد. او به همراه گروهی باستان‌شناس با مدرن‌ترین وسایل کشف و بررسی به این منطقه سفر کرد و توانست شهر تاریخی ارم (شهر قوم عاد) را کشف کند [تصویر شماره ۲] (ر.ک: همان). در صورتی که قرآن کریم از قرن‌ها قبل از چنین سرزمینی خبر داده بود. بنابراین، این مسئله موجب عبرت آنان گردید و به عظمت قرآن پی بردند. هارون یحیی در کتاب خود می‌نویسد: «روزنامه‌های مشهور دنیا در سال ۱۹۹۰م خبر دادند که شهر افسانه‌ای گمشده عرب (واقع در منطقه احقاف) کشف شد. نکته مهم این است که قرآن از وجود چنین شهری خبر داده بود. اکثر مردم این شهر را افسانه‌ای می‌پنداشتند. اما نیکلاس کلاب، تولید کننده فیلم‌های مستند و باستان‌شناس معروف، این شهر را که در قرآن ذکر گردیده بود، پیدا کرد» (ر.ک: یحیی، اعجاز قرآن، بی‌تا: ۱۴۴-۱۴۶؛ Clapp, 1999: 276).

خداوند در سوره احقاف بیان می‌دارد: ﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرْيَةِ﴾ (احقاف/۲۷)؛ «و به یقین آنچه از آبادی‌ها در اطراف شما بودند نابود کردیم». مراد از اطراف شما، اطراف مکه می‌باشد. نیز خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَ عَادًا وَ ثَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾ (عنکبوت/۳۸)؛ «و(قوم) عاد و ثمود را (نیز هلاک کردیم)، و به یقین (این) از خانه‌های (ویران شده) آنان برای شما آشکار شده است؛ و شیطان کارهایشان را برای آنان آراست، و آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که آنان بینا بودند»؛ یعنی خداوند به اهل مکه می‌فرماید: شما همه سال در مسافرت‌هایتان برای تجارت، به سوی یمن و شام از سرزمین «حجر» که در شمال جزیره العرب و «احقاف» که در جنوب و نزدیکی یمن قرار دارد، می‌گذرید و ویرانه‌های شهرهای عاد و ثمود را با چشم خود تماشا می‌کنید؛ چرا عبرت نمی‌گیرید؟! (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۷۱/۱۶. نیز، ر.ک: بغدادی، لباب التأویل و اسرار التأویل، ۱۴۱۵: ۳/۳۸۰). باستان‌شناسان نیز محل سکونت عادیان را در اطراف مکه یافتند (ر.ک: Clapp, 1999: 35-277؛ یحیی، الامم البائدة، بی‌تا: ۷۲-۷۷).

۳. وجود برج‌های بلند در سرزمین قوم عاد

قرآن از شهر قوم عاد به «ذات العِمَادِ» یاد کرده است: ﴿إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾ (فجر/۷-۸)؛ «همان مردم شهر) ارم ستون‌دار، که همانند آن در شهرها آفریده نشده بود!» که در زبان عربی «العمود» به معنای «برج» است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این شهر، وجود برج‌های بلند در آن بوده است [تصاویر شماره ۳ و ۴].

در دیگر آیات قرآن نیز این موضوع به خوبی تشریح شده است: ﴿أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ﴾ (شعراء/۱۲۸-۱۲۹)؛ «آیا بر هر بلندی (ساختمانی) نشانه‌وار می‌سازید، درحالی که (کاری بی‌هدف و) بیهوده انجام می‌دهید؟! و کاخ‌های استوار برمی‌گیرید، تا شاید شما (در دنیا جاودانه) بمانید؟!».

واژه «ریع» در اصل به معنای مکان مرتفع است و «تعبتون» از ماده «عبث» به معنای کاری است که هدف صحیح در آن تعقیب نمی‌شود. با توجه به واژه «آیه» که به معنای نشانه است، روشن می‌شود که این قوم متمکن و ثروتمند، برای خودنمایی و تفاخر بر دیگران، بناهایی بر نقاط مرتفع کوه‌ها و تپه‌ها همچون برج و مانند آن می‌ساختند و هیچ هدف صحیحی برای انجام آن نداشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۹۱-۲۹۳).

گروه باستان‌شناسی کِلاب در حفاری‌ها و کشفیات خود به برج‌های بلند دست یافتند. دی زارنر، رئیس کمیته حفاری، می‌گوید: چون مهم‌ترین ویژگی این آثار، برج‌های بلند آن است، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که این شهر ه مان شهر ارم است (ر.ک: یحیی، الامم البائدة، بی‌تا: ۷۷).

۱۴۶ ۴. خانه‌های قوم عاد

قوم عاد از نظر ساختمان‌سازی و شهرسازی نیز دارای استعداد و توانایی خدادادی خارق‌العاده‌ای بوده‌اند. آنان در ساخت خانه‌های محکم و استوار و با تکنولوژی خاص خود شهره بودند. آیه ﴿إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ﴾ (فجر/۷) به همین امر اشاره دارد. این سازه‌ها آن چنان استوار و مستحکم بودند که حتی تا زمان پیامبر اکرم ﷺ باقی مانده بودند و چنان که از واژه «تلك» در

آیه ۵۸ سوره قصص به دست می‌آید، برای مردمان مکه در عصر پیامبر ﷺ قابل دیدن بوده است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶: ۷-۸/۴۰۷)؛ زیرا خداوند در این آیه خطاب به مردم عصر پیامبر ﷺ می‌فرماید که خرابه‌های مساکن آنان که ویران شده، اینک جلوی چشمانتان قرار دارد و هنوز به حالت ویرانی‌اش باقی مانده، و بعد از هلاکت صاحبانش تعمیر و مسکونی نشده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۶/۶۱).

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿تَدْمُرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ﴾ (احقاف/۲۵)؛ «که همه چیز را به فرمان پروردگارش در هم می‌کوبید، پس صبح کردند در حالی که جز خانه‌هایشان دیده نمی‌شد؛ اینگونه گروه خلافکاران را کیفر می‌دهیم». این آیه در ادامه آیه ﴿وَ اذْكُرْ آخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ (احقاف/۲۱) است؛ بنابراین، خداوند می‌فرماید: برای این مشرکان مکه، سرگذشت «هود» برادر «عاد» را در جنوب شبه جزیره عرب در سرزمینی به نام احقاف یادآوری کن که امروز فقط خانه‌های ایشان را مشاهده می‌کنی (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۸/۲۱۰). در سوره عنکبوت نیز ذکر می‌شود که خانه‌های ویران آنان برای شما آشکار است (عنکبوت/۳۸). این آیات به باقی ماندن خانه‌های عادیان اشاره دارد. باستان‌شناسان نیز در اکتشافات خود، آثار برجای مانده از خانه‌های قوم عاد را یافتند (ر.ک: Clapp, 1999: 35-277؛ یحیی، الامم البائدة، بی تا: ۷۲-۷۷).

۵. عذاب قوم عاد

خداوند به قوم عاد نعمات بسیاری داده بود. این نعمات مطابق آیات قرآن کریم (۱۴۷ شعراء/۱۲۵-۱۳۵) از این قرار است: ۱. ارسال پیامبری امین برای هدایت آنها؛ ۲. برخورداری از قدرت و امکانات جسمی برای بنا کردن قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم؛ ۳. در اختیار داشتن چهارپایان؛ ۴. بهره‌مندی از پسرانی برومند و بی‌عیب و نقص ۵. در اختیار داشتن باغ‌ها و چشمه‌ها.

به این ترتیب خداوند زندگی آنها را هم از نظر نیروی انسانی، هم کشاورزی و باغداری، و هم دامداری و وسایل حمل و نقل پربار ساخته بود؛ اما آنان قدر نعمات خدادادی را ندانستند و موجب عصیانشان گردید تا جایی که سخنان کفرآمیزی بر زبان جاری کردند؛ چنان که خداوند در این باره می‌فرماید: «و اما عادیان، به ناحق، در زمین سر برافراشتند و گفتند: از ما نیرومندتر کیست؟...» (فصلت/۱۵). سرانجام، خداوند تندبادی توفنده بر آنها فرستاد و همه، جز هود (علیه السلام) و پیروان اندک او، نابود شدند (ر.ک: عراقی نژاد، داستان‌های قرآن و تاریخ انبیاء، ۱۳۷۸: ۲۶۹-۲۸۰؛ رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء، ۱۳۸۲: ۸۹-۹۸؛ موسوی تنکابنی، خلاصه الاخبار، ۱۳۷۸: ۵۱؛ بهبودی، بازنگری تاریخ انبیا در قرآن، ۱۳۷۶: ۳۰۴؛ نیشابوری، قصص الانبیاء، ۱۳۸۲: ۸۳-۸۶؛ مکارم شیرازی، قصه‌های قرآن، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۸) و در زیر لایه‌های شن و رمل مدفون گردیدند. قرآن کریم این مطلب را با ظرافت و لطافت هرچه تمام‌تر بیان می‌دارد: ﴿كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نَذْرِي إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَّخْلٍ مُّتَعَرِّجٍ﴾ (قمر/۱۸-۲۰)؛ «(قوم) عاد (نیز نشانه‌های ما را) دروغ انگاشتند؛ پس (بنگر که) عذاب من و هشدارها [بیم] چگونه بود! در واقع، در روز شوم مستمری، تند باد سردی برآنان فرستادیم، که (آن باد) مردم را از جای برمی‌کند، چنان‌که گویی آنان تنه‌های درختان خرماي ریشه کن شده‌اند!».

نیز خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (احقاف/۲۴)؛ «و هنگامی آن (عذاب) را دیدند، در حالی که ابری روی آورنده به دره‌هایشان بود، گفتند: «این ابری است که بر ما می‌بارد!» بلکه آن چیزی است که بدان شتاب می‌ورزیدید؛ (همان) بادی که در آن عذابی دردناک است». در تفسیر این آیه آمده است: مدتی باران برای قوم عاد نازل نشد، هوا گرم و خشک و خفه کننده شده بود. پس گروهی ابرهایی را دیدند و فکر کردند، این ابرها باران‌زا هستند. اما آنها بادهای شنی بودند که از دور مانند ابرهای باران‌زا به نظر می‌رسیدند. در واقع، این بادهای شنی برای عذاب قوم عاد آمده بودند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۵۳/۲۱).

نیز، ر.ک: یحیی، الامم البائدة، بی تا: ۷۰-۸۵).

همچنین خداوند در جای دیگر می فرماید: ﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ﴾ (حاقه/۷)؛ «که آن (باد) را هفت شب و هشت روز بنیان کن بر آنان مسلط کرد؛ و آن قوم را در آن (مدت) بر زمین افتاده می بینی، چنان که گویی آنان تنه های درختان خرما ی فرو ریخته اند!». طبق این آیه شهر در پی آن طوفان با طبقه هایی از شن پوشیده شد و مردم زنده زنده در زیر شنها دفن شدند. در آیات ۶۵ تا ۷۲ سوره اعراف نیز جریان عذاب قوم عاد به طور مفصل بیان شده است. از این مطلب استفاده می شود که شهر ارم در زیر لایه هایی از شن قرار گرفته و به یک سرزمین رملی و شنی تبدیل شده است. علت اینکه این منطقه احقاف نامیده شده، نیز به دلیل وجود تپه های شنی است؛ زیرا احقاف در زبان عربی به تپه های شنی گفته می شود. باستان شناسان نیز در اکتشافات خود، این منطقه را در حالی یافتند که از شن و رمل پوشیده شده بود، درست مانند شهر شنی (ر.ک: Clapp, 1999: 35-277؛ یحیی، الامم البائدة، بی تا: ۷۲-۷۷).

۶. رد ادعای کشف اجساد قوم عاد

با باز شدن دریچه فضای مجازی به روی جهانیان، جهان به یک دهکده کوچک جهانی مبدل شده است. هر چند این فضا می تواند برای پیشرفت آنها در عرصه های مختلف مؤثر باشد، اما در آن شیطنتهایی همچون نشر اکاذیب، شایعه پراکنی ها، سرقت های اینترنتی و غیره نمود یافته است؛ از این رو، دقت در اخبار انتشار یافته و بررسی آنها حائز اهمیت است. اخیراً در فضای مجازی تصاویری از اسکلت های انسان های عظیم الجثه پخش شده است که عده ای در صدد برآمده اند تا آنها را به قوم عاد نسبت دهند [برای نمونه، ر.ک: تصاویر شماره ۵۰۶]. در سایت تابش آمده است: «اخیراً در یکی از مناطق جنوب شرقی ۱۴۹ عربی، کاوشگران گاز، بقایای اسکلت انسانی را در اندازه خارق العاده پیدا کردند. بیابان مورد نظر را یک چهارم خالی یا به عربی ربع الخالی می نامند (یعنی اگر شبه جزیره عربستان را به چهار بخش تقسیم کنیم، این بیابان یک چهارم آن را شامل می شود) کشف مذکور را گروه کاوشگر آرامکو انجام داده است» (<http://www.tabesh.net/?artid=40>).

در سایت‌های دیگر نیز چنین تصاویری با مضامینی مشابه پخش شده است (برای نمونه، ر.ک: <http://urbanlegends.about.com> :<http://www.Worth1000.com>)
 در مقابل، برخی سایت‌ها این عکس‌ها را ساختگی و رایانه‌ای می‌دانند، و چنین اکتشافاتی را انکار می‌کنند (برای نمونه، ر.ک: <http://www.1kalagh.com/2010/09/giant-human-skeleton>).

در این باره می‌توان به آیات قرآن کریم رجوع کرد. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَةٍ﴾ (حاقه/۸)؛ «و آیا از آنان هیچ بازمانده‌ای می‌بینی؟». اساساً نباید کسی از آنها و اثری از آنها که منظور جسمشان می‌باشد، باقی مانده باشد. همچنین خداوند در جای دیگر می‌فرماید: ﴿فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ﴾ (احقاف/۲۵)؛ «پس صبح کردند در حالی که جز خانه‌هایشان دیده نمی‌شد». همین‌طور آیه ۳۸ عنکبوت نیز مؤیدی بر این مطلب است. بنابراین، استنباط می‌شود که مساکن آنها باقی مانده، اما اجساد و اموالشان به وسیله تندبادها نابود شده است؛ زیرا روایت شده است که وقتی طوفان بر قوم عاد می‌وزید، آنان را از جای خود برمی‌داشت و در آسمان با اصابت سنگ نابود می‌ساخت، به طوری که جسد‌های آنها باقی نمانده است (ر.ک: زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۳۰۷/۴ و ۳۰۸؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۲۷۴/۱۷؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۱۱۵/۵؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۲۰۶/۱۶؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۵۵/۲۱ و ۳۵۶).

پس از تحقیق و بررسی به این نتیجه می‌رسیم که عکس‌ها و اخبار انتشار یافته در سایت‌ها صحت ندارند؛ زیرا این تصاویر برای یک مسابقه عکاسی و طراحی، برجسته و بزرگ شده‌اند. به این ترتیب تصاویر پخش شده از اسکلت‌های عظیم الجثه غیر واقعی می‌باشند که وجود یک اسلحه در دست یکی از اسکلت‌ها [تصویر شماره ۶]، گویای این مطلب است؛ زیرا در سایت <http://news.nationalgeographic.com> پرده از راز این عکس‌ها برداشته شده که برای شرکت در یک مسابقه عکاسی و طراحی بوده است.

عنوان درستی که در بالای این عکس‌ها نوشته شده، مثل دو عنوان زیر:

“Giant Skeletons” Fuel Web Hoax

“Skeleton of Giant” Is Internet Photo Hoax

گویای همین مطلب است. در این سایت بیان شده است که این تصاویر متعلق به یک طراح کانادایی می‌باشد.

البته به نظر می‌رسد اصل این شایعه با تیتراژ

“Giant Skeletons Found in Middle East”

در سایت انگلیسی زبان

http://urbanlegends.about.com/library/bl_giant_skeleton

منتشر شده باشد، اما روشن است که این تصاویر غیر واقعی هستند. به این ترتیب سخن

قرآن به اثبات می‌رسد.

حال آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اینکه برخی می‌خواهند با رد این تصاویر، حقیقت کشف سرزمین قوم عاد را نیز انکار نمایند و در نتیجه قرآن کریم را زیر سؤال ببرند که داستان قوم عاد مؤیدی در عالم خارج ندارد، در صورتی که اکتشافات مربوط به سرزمین قوم عاد در منابع معتبر بین‌المللی انتشار یافته است و تردیدی باقی نمی‌گذارد. در صورت صحت تصاویر اجساد عظیم الجثه، باید گفت مطابق نص قرآن، این اجساد با قوم عاد ارتباطی ندارد.

نتیجه

۱. جریان زندگی قوم عاد تنها در قرآن کریم آمده است و در کتب آسمانی گذشته همچون تورات و انجیل از آن خبری نیست. این از جمله اخبار غیبی قرآن کریم است که خبر از قومی می‌دهد که تا سالیان سال هیچ کس از آن اطلاعی نداشت و گمان می‌کردند افسانه‌ای بیش نبوده است.

۱۵۱

۲. با توجه به یافته‌های محققان و باستان‌شناسان و اطلاعات مفید و دقیقی که در قرآن کریم آمده، محل اصلی سکونت قوم عاد در سرزمین عمان بوده است.

۳. با توجه به آنچه در قرآن کریم آمده و با استناد به فعالیت‌های باستان‌شناسان پی می‌بریم که اکتشافات اخیر توسط گروه تحقیقاتی نیکلاس کلاب در سرزمین عمان، همان آثار به جا مانده از برج‌ها و باروهای قوم عاد می‌باشد.

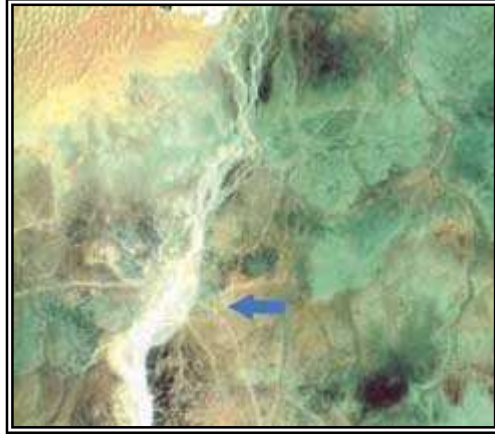
۴. یافته‌های باستان شناسان و اکتشافات اخیر نیکلاس کلاب یعنی کشف برج‌های بلند، کشف آثار برجای مانده از خانه‌های قوم عاد، کشف محل سکونت قوم عاد و کشف سرزمین قوم عاد در زیر لایه‌های شنی و رملی با آنچه در قرآن کریم آمده است، مطابقت کامل دارد؛ بنابراین، آنچه در قرآن بیان می‌گردد، مطابق واقع است.

۵. تصاویر منتشر شده از اسکلت‌های عظیم الجثه در برخی سایت‌ها، ارتباطی با قوم عاد ندارد، بلکه این تصاویر برای یک مسابقه عکاسی برجسته و بزرگ شده‌اند، که متعلق به یک طراح کانادایی می‌باشند. البته در قرآن کریم نیز بیان می‌گردد که اجساد آنها باقی نمانده است؛ بنابراین، حتی در صورت صحت تصاویر انتشار یافته، نسبت آنها به قوم عاد پذیرفتنی نیست.

پی نوشت

[۱]. فیلمساز و مستندساز و مدرس آمریکایی الاصل در رشته باستان‌شناسی که ساکن کالیفرنیا است. اثر مشهور او «Sheba» و کتابش درباره سرزمین ارم و قوم عاد «The road to Ubar» می‌باشد.

[۲]. کانادایی تبار و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعت نفت ملک فهد است و به تدریس ریاضیات می‌پردازد.



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۳



تصویر شماره ۴



تصویر شماره ۵



تصویر شماره ۶

منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق)، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالفکر.
۲. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن هشام (۱۴۱۵ق)، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. بهبودی، محمداقرا (۱۳۷۶ش)، بازنگری تاریخ انبیا در قرآن، مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۱-۱۲.
۸. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۸ش)، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۰. پاکتچی، احمد (۱۳۷۵ش)، «ارم» دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید محمداکظم موسوی بجنوردی، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی حیان.
۱۱. توماس، برترام (۱۴۰۱ق)، مخاطرات الاستکشاف فی الجزيرة العربیة، ترجمه محمد امین عبدالله، عمان، وزارة التراث القومي و الثقافة.
۱۲. جواد علی (۱۴۲۷ق)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، تهران، آوند دانش، مکتبه جریر.

۱۳. حموی، ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.
۱۴. حمیری، محمد بن عبدالمنعم (۱۹۸۴م)، الروض المعطار فی حبر الاقطار، تحقیق احسان عباس، بیروت، مکتبه لبنان.
۱۵. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۷ش)، «ارم» دایرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب.
۱۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷ش)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان؛ ناهید.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۲ش)، تاریخ انبیا، قم، بوستان کتاب.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضالای حوزه و دانشگاه (۱۳۸۳ش)، ترجمه قرآن کریم، موسسه فرهنگی دارالذکر.
۲۰. رضایی، زهرا (۱۳۷۹ش)، اماکن جغرافیایی در قرآن، قم، پارسیان.
۲۱. زمخسری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی.
۲۲. شکوری، «شهر اساطیری ارم، اعجاز قرآن»، سایت تبیان، ۱۳۸۹/۳/۱۰ش.
۲۳. طالقانی، سید محمود (۱۳۸۹ق)، پرتویی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۷ق)، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، مطبعة الاستقامة.
۲۷. عابدینی، احمد (۱۳۷۸ش)، «قوم عاد سازندگان اهرام مصر»، فصلنامه بینات، سال ششم، ش ۲۱.
۲۸. عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۸۷ش)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، بحاشیة

- المصحف الشريف، تهران، انتشارات اسلامی.
۲۹. عراقی نژاد، حسین فعال (۱۳۷۸ش)، داستان‌های قرآن و تاریخ انبیا (۱)، تهران، نشر سبحان.
۳۰. فخررازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۹ق)، القاموس المحيط، اشراف محمد نعیم عرقسوسی، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۳۳. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۱ش)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمن، تصحیح سید محمد شاه‌مرادی، تهران، دانشگاه تهران.
۳۴. محلی، محمد بن احمد و سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۹ق)، تفسیر جلالین، بیروت، دارالفکر.
۳۵. معادخواه، عبدالمجید (۱۳۷۸ش)، فروغ بی‌پایان: فهرست تفصیلی مفاهیم قرآن کریم، تهران، نشر ذره.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، قصه‌های قرآن، تدوین سید حسین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۶۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. موسوی تنکابنی، محمد مهدی بن محمد جعفر (۱۳۷۸ش)، خلاصه الاخبار، تهران، دانشور.
۴۰. میلر، گری (۱۳۸۴ش)، قرآن کتابی شگفت‌انگیز، ترجمه صلاح‌الدین توحیدی، تهران، نشر احسان.

۴۱. نایف منیر فارسی (۱۴۲۷ق)، الاعجاز العلمی فی القرآن و السنة، کویت، مکتبة ابن کثیر؛ بیروت، دار ابن حزم.
۴۲. نجار، زغلول و... (۱۳۸۸ش)، اعجاز علمی قرآن کریم، ترجمه علی عباسی، آیت الله خزائی، عزت‌الله محمدپور و محسن رسولی، قم، دفتر نشر معارف.
۴۳. نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف (۱۳۸۲ش)، قصص الانبیاء، بازپردازی احسان یغمایی، تهران، زرین؛ نگارستان کتاب.
۴۴. یحیی، هارون (بی‌تا)، اعجاز قرآن، ترجمه محمد فرید آسمند، بی‌جا، بی‌نا.
۴۵. یحیی، هارون (بی‌تا)، الامم البائدة، ترجمه میسون نهلوی، مراجعه اورخان محمدعلی، بی‌جا، بی‌نا.
46. Clapp, Nicholas, *The Road to Ubar: finding the Atlantis of sands*, New York, 1999.
47. *Encyclopedia of Islam*, New Edition, V.I, A-B, Leiden-London, 1960.
48. *Encyclopedia of the Quran*, V.II, E-I, Jane Dammen McAuliffe, General Editor, Leiden - Boston, 2002.
49. Thomas, Bertram, *Arabia Felix: Across the "Empty Quarter" of Arabia*, New York: Schrieber's sons: 1932.
50. <http://www.shia-news.com/fa/news/17229>.
51. <http://en.wikipedia.org/wiki/%E2%80%98Ad>.
52. http://en.wikipedia.org/wiki/Iram_of_the_Pillars.
53. <http://news.nationalgeographic.com/news/bigphotos/21432885>
54. http://urbanlegends.about.com/library/bl_giant_skeleton.
55. <http://www.1kalagh.com/2010/09/giant-human-skeleton>.
56. <http://www.tabesh.net/?artid=40>.
57. <http://www.Worth1000.com>.